

## تصنیف علوم و داده‌ها<sup>۱</sup>

### دیدگاه‌های هشت پژوهشگر معاصر درباره ابعاد و تحولات تاریخی آن

احمد عبدالحلیم عطیة  
ترجمه محمد نوری

#### اشاره

زایش تمدن و فرهنگ اسلامی، با تعالیم رسول اکرم (ص) و قرآن آغاز شد و در قرن چهارم تا ششم قمری به اوج شکوفایی خود رسید. ویژگی بارز و متمایز آن، تأکید بر دانایی و کتابت و نگارش است؛ به طوری که جامعه بدوی مکه و مدینه را که تعداد باسوادها و کسانی که بتوانند بنویسند بسیار اندک و انگشت شمار بود، به جامعه‌ای پویا با عالمان و دانشمندان بسیار در رشته‌های مختلف تبدیل نمود. آمار تألیفات در رشته‌های مختلف افزایش یافت، علوم مختلف و حرفه‌های متنوع ظهور کردند؛ افزون بر اینکه کتاب‌ها و رسایل فراوانی از دیگر بلاد به ویژه از سرزمین‌های صاحب تمدن، مثل ایران و یونان به سرزمین‌های اسلامی آورده شد. مسلمانان برای استفاده از این آثار باید به دسته‌بندی و تنظیم آنها می‌پرداختند؛ اما پیش از تنظیم منابع علمی به ناچار باید خود علوم و حرفه‌ها را طبقه‌بندی کرده، جایگاه هر یک را در کل علوم مشخص می‌کردند. کسانی مثل ابن ندیم که شغل‌هایی با عنوان خازن، کتاب‌شناس و حتی فیلسوف علم داشتند، به کارشناسی و مطالعه چگونگی اجرای سامان‌دهی و نظم دادن به اطلاعات و داده‌ها و نیز منابع و کتاب‌ها و خود علوم، حرفه‌ها و فنون پرداختند. پس از چند سال و با زحمات اینگونه دانشمندان، دانش جدیدی به نام «تصنیف العلوم» یا «تصنیف الکتب» یا

«تقاسیم العلوم والفنون» متولد شد. تاریخ تحولات این دانش و داستان ابعاد مختلف آن، بسیار جذاب و خواندنی است. خوشبختانه تا کنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این باره تألیف و عرضه شده است و گزارش رخدادهای این دانش، در تاریخ ثبت و ضبط است. البته کتابداری و کتاب‌شناسی در کشورهای اسلامی در چند دهه به غرب متوجه بود و متفکران این رشته دستاوردهای غربی را وارد فرهنگ بومی کرده، تلاش می‌کردند نظام‌های رده‌بندی مثل «دیویی» و «کنگره» را مو به مو در جهان اسلام اجرا کنند، ولی در همین دوره کسانی با واگرایی از سنت غربی در صدد احیای سنت اسلامی و آرای دانشمندان مسلمان در این زمینه برآمده‌اند. اینان معتقدند: تجارب غربی هر چند بعضاً راهگشا و سودمند است، ولی با فلسفه علم و جریان‌های علمی در جهان اسلام تناسب نداشته، بلکه بیگانگی دارد. راهکار نهایی این است که تفکر اسلامی مربوط به قرون گذشته از لابه لای متون کهن استخراج شود و به زبان امروزی بیان گردد. اما پیش از هر چیز لزوماً باید دیدگاه‌ها و آثار متعلق به قرون گذشته شناسایی و ابعاد آن بررسی و تبیین می‌شد. این کار هم توسط چند تن از پژوهشگران اجرا شد. احمد عطیه از جمله

۱. مقاله‌ای از کتاب الدراسات فی تاریخ العلوم، اثر احمد عبدالحلیم نویسنده و متفکر مصری است که با این مشخصات منتشر شده است: قاهره: دانشگاه قاهره، ۱۹۹۱م.

کسانی است که در این زمینه فراوان کوشیده و چندین اثر تألیف کرده است. یکی از آثارش همین مقاله است.

محتوای این مقاله تحلیل‌های چند تن از پژوهشگران سرشناس عرب از ملیت‌های مختلف درباره فرایند و تحولات طبقه‌بندی اطلاعات و علوم در چارچوب فرهنگ اسلامی است. هر کدام از این پژوهشگران از زاویه و منظری، تاریخ تحولات این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ از این رو مجموعه این هشت تحلیل، تمامی جنبه‌ها و ابعاد را شامل می‌شود.

#### مقدمه

نظام رده‌بندی منابع دانش‌ها نزد هر ملت، گونه‌ای از حیات عقلی به شمار می‌آید؛ زیرا سیر علوم و مراحل تکاملی آن و نیز دوره‌های مهم از پیدایش به بعد را از قدیمی‌ترین زمان‌ها تا کنون روشن می‌سازد. تمدن عربی-اسلامی دارای تاریخ پر دامنه‌ای در رشته طبقه‌بندی علوم و سزاوار بحث و تحقیق است. تاریخ‌نگاران علم در غرب<sup>۲</sup> در این زمینه پژوهش‌های بسیاری کرده‌اند، ولی حق آن را ادا نکرده‌اند؛ همچنین مورخان عرب تحقیق‌هایی انجام داده‌اند. در زمان حاضر لزوماً باید توجه زیادی به آن مبذول شود، ولی از جانب تاریخ‌نگاران عرب که سخن از جهانی شدن فرهنگ و علم در میان آنها هست، تحقیقات شایان توجهی انجام نگرفته است.<sup>۳</sup> یکی از مباحث جهانی شدن، تعیین جایگاه دانش‌های مختلف در منظومه فرهنگ بشری و روشن ساختن چگونگی تعامل بین آنهاست.

رده‌بندی، دانشی است که ریشه در برخی علوم تخصصی، مانند فلسفه، کتابداری، تاریخ و فلسفه علم دارد. با اینکه عملاً علم تصنیف، همه این تخصص‌ها را در خود جای داده است، ولی از میان مباحث مختلف روش‌شناسی رده‌بندی اهمیت بیشتری دارد و شایسته پژوهش است.

نیز غیر از روش‌شناسی، می‌خواهم هدف، علل و موجبات، فلسفه و غایت، پیشینه و ماهیت این مبحث را توضیح دهم؛ اما می‌خواهم همه این مباحث را می‌خواهم ذیل بررسی‌هایی بیاورم که در مورد هشت اثر تحلیلی انجام می‌دهم؛ در واقع این مقاله گزارشی علمی از هشت پژوهشی است که در حوزه رده‌بندی علوم اسلامی، شاخص تر است.

روش این مقاله، گزارشی-تحلیلی و نیز تاریخی-مقایسه‌ای است. رخدادهای مهم هر یک از این جریان‌های هشتگانه توصیف خواهد شد و در مواردی که به بسط و شرح نیاز دارد، آنها را توضیح خواهم داد. با تحلیل به روش مقایسه‌نظریات دانشمندان در زمینه طبقه‌بندی علوم است که می‌توان به تاریخ و

تحولات تاریخی این بحث نائل آمد و بر اساس آن دستاوردهای تاریخی، طبقه‌بندی امروزی را بنیانگذاری کرد؛ زیرا تأکید می‌کنم: کارهای جدید باید ادامه تلاش‌های نویسندگان پیشین باشد؛ به ویژه اگر به آنها به دید انتقادی بنگریم و کارهای گذشتگان را به نقد بکشیم.

البته پژوهش‌های گذشته نه سبک و قالب یکسان و نه روش و خاستگاه واحدی داشته‌اند، بلکه در جنبه‌های مختلف بین آنها تفاوت‌های جدی‌ای مشاهده می‌شود. گزارش همه دیدگاه‌ها، مثنوی قطوری خواهد شد؛ از این رو فقط برخی از شاخص‌ها و برجسته‌ترین آنها را مطرح می‌کنم تا با تحلیل آنها به کنه‌شان پی ببریم.

به هر حال این مقاله در صدد بررسی انتقادی و تطبیقی هشت تحلیلی است که با رویکردها و منظرهای مختلف ارائه شده‌اند؛ اما فهرست اجمالی این دیدگاه‌ها، به شرح ذیل است:

۱. پژوهش احمد زکی پاشا به نام *موسوعات العلوم العربیة* که در چاپخانه امیریه قاهره در سال ۱۳۰۸ ق به چاپ رسیده است.<sup>۴</sup>

۲. سخنرانی لویی ماسینیون در دانشگاه قدیم مصر، زیر عنوان «مسئله تنظیم علوم» که در سال ۱۹۱۲ م در قاهره ایراد شده است.<sup>۵</sup>

۳. پژوهش عثمان امین در تحقیق *احصاء العلوم فارابی*، منتشر شده در قاهره به سال ۱۹۳۱ م.<sup>۶</sup>

۴. پژوهش کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور در تحقیق کتاب طاش کبری زاده به نام *مفتاح السعادة* و *مصباح السیاده فی موضوعات العلوم*، منتشره شده در قاهره توسط دارالکتب الحدیثه.

۵. دیدگاه محمدعلی ابوریان در مقاله «تصنیف العلوم الفلسفیه» نیز در مقاله او با عنوان «تصنیف العلوم بین الفارابی و

۲. وقتی به کتاب‌های تاریخی رده‌بندی مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌نماییم دیدگاه‌ها و تلاش‌های مسلمانان را به فراموشی سپرده‌اند. اغلب آنان رده‌بندی را از فلاسفه یونان شروع کرده‌اند و پس از آن رده‌بندی‌های قرون وسطی از نگاه غربی‌ها و سپس دیدگاه‌های غربی‌ها در دوره جدید را مطرح کرده‌اند.

۳. محمدحسن کاظم خفاجی؛ «مقدم فی التراث الحضاری لتصنیف العلوم»؛ مجله *المورد العراقی*، ج ۶، ش ۴، ۱۹۷۷ م، ص ۲۰۸.

۴. احمد زکی پاشا؛ *موسوعات العلوم العربیة* و بحث عن رسائل اخوان الصفا؛ قاهره: مرکز العربی للبحث والنشر، ۱۹۸۳ م.

۵. لویی ماسینیون؛ *محاضرات فی تاریخ المذاهب الفلسفیه فی الجامعة المصریة*. ر. ک. به: پژوهش‌نویسنده این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره (شماره ۴۸).

۶. ر. ک. به: عثمان امین؛ مقدمه تحقیق *احصاء العلوم فارابی*.

عرصه طبقه بندی علوم، نویسنده در فصلی مستقل به تعریف لفظ اینسایکولپسیدیا و معادل آن در فرهنگ اسلامی-عربی پرداخته است؛ سپس در فصلی دیگر، ماهیت کتاب‌های دانشنامه‌ای و تاریخ این نوع تألیفات و چگونگی گسترش آن را بحث کرده است.

تلاش اصلی او در فصلی نسبتاً طولانی، با عنوان «فی الموسوعات العامة» آمده است که در آن از تألیفاتی سخن می‌گوید که دانشمندان مسلمان در دایره‌المعارف علوم نگاهشده‌اند و در آن، نظم علوم را بر اساس روش و سیستمی هماهنگ با ربط منطقی جایگاه علوم، بررسی نموده‌اند.<sup>۱۳</sup> نویسنده ابتدا، کتاب احصاء العلوم فارابی و اهمیت و موقعیت آن را بیان کرده، بیان می‌دارد: پس از محمدبن حبان مشهور به ابوحاتم بستی (در گذشته به سال ۳۵۴ ق) در کتاب فی ثلاثین جزء، به علوم و اصناف آن پرداخته است؛<sup>۱۴</sup> نیز رسائل اخوان الصفا، آخرین فصل خود را به علوم اختصاص داده، انواع آن را توصیف می‌نمایند.

به دنبال آن، از حکیم مجریطی سخن می‌گوید؛ بدون اینکه از کتاب او یا از خودش مطلب قابل توجهی ارائه دهد. پس از آن

۷. مدیر کتابخانه دانشکده دندانپزشکی بغداد.

۸. حسین علی محفوظ؛ «دوائر المعارف والموسوعات العربية والشرقية فی ۱۲ قرناً من القرون ۳ هـ الی القرن ۱۴ هـ». این بحث مطلبی است که از مجله المورد التراثية العراقية، مجلد ۶، ش ۴، ص ۳۴۱-۳۶۸ اقتباس شده است.

۹. احمد زکی پاشا ابتکارات خوبی در این گزارش دارد. یک ابتکار جالب ایشان، استخراج طبقه بندی ورده بندی از منابع متنوع، یعنی دایره‌المعارف‌های قدیمی، منابع درباره تصنیف العلوم و کتاب‌شناسی‌ها است؛ زیرا دایره‌المعارف‌ها علاوه بر فشرده سازی مباحث علوم، به تنظیم علوم و اطلاعات علوم هم می‌پردازند. همین طور کتابشناسی‌ها بر مبنای طبقه بندی علوم و تنظیم درخت دانش، منابع رادسته بندی می‌کنند (مترجم).

۱۰. احمد زکی پاشا مترجم مجلس النظار و مترجم افتخاری انجمن محلی خدیو بوده است؛ از این رو همه امکانات و ابزار پژوهش برای او فراهم بوده است. از او چند کتاب به یادگار مانده که مهم‌ترین آن رساله فی المعارف العمومية بالديار المصرية است.

۱۱. همان، ص ۳.

۱۲. همان، ص ۳-۴.

۱۳. همان، ص ۱۳.

۱۴. ابوحاتم بستی از بُست سجستان است. او را می‌توان از نسل نخست مرجع نگاران در فرهنگ اسلامی دانست. از جمله کتاب‌های مرجع او عبارت‌اند از: الانواع والتقاسیم، معجم المدن، معجم مشاهیر العلماء، اسامی من يعرف بالکنی. نیز کتابی به نام وصف العلوم و انواعها در سی جلد (ثلاثون جزءاً) دارد که گاه به اشتباه به ثلاثین جزءاً یاد شده است (الاعلام زرکلی، ج ۶، ص ۷۸) (مترجم).

ابن خلدون» (شماره اول از مجلد نهم مجله عالم الفكر) اهمیت دارد. هر کدام از این دو پژوهش به صورت تحلیلی و منتقدانه ارائه شده است.

۶. احمد بدر، آرای خود را در کتاب دراسات فی المكتبة والثقافین آورده است.

۷. تحقیق محمدحسن کاظم خفاجی<sup>۷</sup> زیر عنوان «مقدمه فی التراث الحضاری فی تصنیف العلوم» (شماره ۴ مجله المورد در سال ۱۹۷۷) مطرح شده است.

۸. پژوهش حسین علی محفوظ در بررسی دایره‌المعارف‌ها و موسوعات عربی و شرقی در دوازده قرن گذشته (مجله المورد، ش ۴، مجلد ۶) دارای نکات مفیدی در این باره است.<sup>۸</sup>

#### پژوهش احمد زکی پاشا<sup>۹</sup>

در دوره جدید، اولین پژوهش در زمینه طبقه بندی علوم در کتاب موسوعة العلوم العربية از احمد زکی پاشا عرضه شد. او از نویسندگان و متفکران مصری است. در ابتدای پژوهش خود می‌نویسد: «بحثی که من آن را برگزیده‌ام، در فرهنگ ما جدید است و مردم این دوره به آن توجه نکرده‌اند».<sup>۱۰</sup>

این سخن سمت و سوی بحث و نیز گستره پژوهش او را روشن می‌سازد. تعبیری که در فرهنگ عربی باید به آن اهمیت داد، این نکته است: کتاب‌شناسی، دانشی است که درباره کتاب، توصیف آن و نظم و ترتیب آن سخن می‌گوید. آنچه در مورد نظم و ترتیب کتاب معتبر شمرده می‌شود، سه نکته طبقه بندی، توصیف و استفاده از معجم هاست.<sup>۱۱</sup>

الفهرست ابن ندیم و کشف الظنون حاجی خلیفه<sup>۱۲</sup> در بین منابع مربوط، دارای نزدیک‌ترین سمت و سو نسبت به موضوع می‌باشند. ارزش علمی این قبیل کتاب‌ها برای نشان دادن حوادثی که منجر به نابودی کتابخانه‌ها و کتاب‌های عربی شده است، اهمیت دارد. این کتاب‌ها آشکارا نشان می‌دهند مسلمانان، دارای میراث بزرگی در زمینه دایره‌المعارف‌نگاری هستند؛ هر چند این حرفه را نشناخته‌اند.

پس از طلحة کتاب (در مورد ماهیت کتاب‌شناسی و توضیح امتیازات آن)، و بعد از بیان مقدمه‌ای درباره سابقه مسلمانان در

نیز ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد از شمس الدین محمد بن ساعد انصاری اکفانی سنجاری (در گذشته به سال ۷۹۴ ق). ۱۸ الفوائد المسکية فی الفوائد المکیة از عبدالرحمن بن محمد بسطامی (در گذشته به سال ۸۴۵ ق) نیز دانشنامه علوم و توضیح آنهاست و صاحب کشف الظنون از آن موارد، متعدد به همین نام یاد می کند. ۱۹ المطالب الالهية از مولی لطف الله بن حسین توقانی (در گذشته به سال ۹۰۰ ق) که رساله مختصری در موضوعات علوم است و به سلطان بایزید خان تقدیم شده است. نمودج العلوم از جلال الدین دوانی (در گذشته به سال ۲۹۰ ق) که در آن، ده علم بررسی شده است. الفقاهیه از جلال الدین سیوطی (در گذشته به سال ۹۱۱ ق) که در آن چهارده علم بیان شده است. خود مؤلف آن را زیر عنوان تمام الدراية لقرائة الفقراية شرح کرده و شهاب الدین عبدالحق سنباطی مصری نیز آن را با حدود پنج هزار بیت به نظم درآورده است.

کتاب قابل تحسین و ابتکاری مفتاح السعادة و مصباح السیاده از مولی عصام الدین احمد بن مصطفی معروف به طاش کبری زاده (در گذشته به سال ۹۶۷ ق). الفوائد الخاقانية از محمد امین صدرالدین شروانی است که در عصر سلطان احمد عثمانی می زیست. این کتاب از انواع علوم عقلی و نقلی، اطلاعات ۵۳ علم را گردآورده است. فهرست العلوم از حافظ الدین محمد عجمی (در گذشته به سال ۱۰۵۵ ق). کشف الظنون اثری است که احمد زکی فراوان به آن اعتماد کرده است؛ ۲۰ این اثر شبیه

۱۵. درباره ابن سینا و نقش مهم او به تفصیل سخن می گوید و یادآوری می کند رساله او، احتمالاً به نام مقاله فی تقاسیم الحکمة والعلوم است؛ ولی نام رساله فی اقسام العلوم العقلية به نظر صحیح تر می آید؛ زیرا او فیلسوف بوده، فعالیت او در زمینه تصوف، از کتاب پر حجم اش (شفاء) به دست می آید.

۱۶. احمد زکی عدد ۴۰۷ را که ابن عقیل بغدادی گفته، مبالغه آمیز می داند. می توان ۴۷۰ مجلد را ۴۷۰ عنوان یا افزوده شدن یک صفر به اشتباه دانست. در جای دیگر، زکی پاشا ۸۸۰ مجله نوشته که باز محل بحث و مناقشه است.

۱۷. زکی پاشا برای امام فخر رازی کتاب دیگری با عنوان جامع العلوم ذکر می کند و تصریح می کند آن را هم برای سلطان علاء الدین خوارزمی تألیف کرده است. به نظر ما هر دو نام یک کتاب است.

۱۸. عثمان امین، ابوریان، کامل بکری، و عبدالوهاب مطالب این کتاب را از طریق احمد زکی نقل کرده اند و هیچ مطلب جدیدی بر آن نمی افزایند. از طریق همین تحقیق نیز به اعتقاد تهاوی در کتاب کشاف اصطلاحات الفنون به این اثر پی بردم.

۱۹. این اشاره را به همین صورت در مقدمه تحقیق کشف الظنون می یابیم. ۲۰. درباره این کتاب می گوید: درباره کتاب کشف الظنون همین قدر می توانم بگویم که بهترین و کامل ترین کتاب در این موضوع است و بر

<

نوبت، به ابن سینا می رسد و او را اولین شخصیت مسلمان می داند که کوشش نمود بین علوم به شیوه دایرة المعارف ها پیوند برقرار سازد. به همین دلیل احمد زکی پاشا ترجیح می دهد عنوان کتاب خود را از رساله سخن شیخ رئیس در تقسیم بندی حکمت و علوم اخذ کند. ۱۵ او در این قسمت، از کتاب ابومظفر ایبوردی شاعر (در گذشته به سال ۵۰۷ ق) به اسم طبقات العلوم نام می برد و بر اساس آنچه از سیاق گفتارش آشکار می شود، گویا به آن دسترسی پیدا نکرده است.

زکی پاشا در بین تلاش های گذشته در عرصه طبقه بندی علوم به تفصیل سخن گفته، ۲۵ عنوان از آثار مرجع عمومی و چندین عنوان کتاب که متضمن فصلی در این باره بوده را بررسی کرده است. گفتنی است اغلب کسانی که پس از احمد زکی پاشا در این زمینه مطلب نگاشته اند، به نقل از او پرداخته اند؛ با این تفاوت که او در هیافت ها و پژوهش های خود یا نقل مطالب دیگران، دقیق بوده است، ولی دیگرانی که از او مطالبی نقل کرده اند، چندان دقیق نبوده اند؛ به همین دلیل، دیگران، به بیشتر از نیمی از آنچه احمد زکی پاشا در رساله اش ذکر کرده، دسترسی نیافته اند.

زکی پاشا در ادامه به منابعی که به گونه ای از آنها استفاده کرده نیز پرداخته است؛ در واقع این منابع مباحثی را به بررسی رده بندی اختصاص داده اند: الفنون از ابوالوفاء، محمد بن عقیل بغدادی حنبلی (در گذشته به سال ۵۱۳ ق). او انواع علوم را در ۱۶۴۷۰ عنوان جمع آوری کرده است.

حدائق الانوار فی حقایق الاسرار از فخر رازی (فخرالدین محمد بن عمر در گذشته به سال ۶۰۶ ق) که در آن شصت علم را نام برده است. رازی این کتاب را برای سلطان علاء الدین خوارزمی نوشته است. زکی پاشا در توصیف آن می نویسد: «این کتاب از جمله قدیمی ترین موسوعات عربی معتبر به شمار می آید». ۱۷

البته در نام کتاب رازی اختلاف است و حاجی خلیفه در کشف الظنون اسم آن را جامع العلوم دانسته است. زمخشری (در گذشته به سال ۸۳۶ ق) در امالی به همه علوم پرداخته است؛

به جامانده در کتابخانه های عمومی. در اینجا تنها به زاویه اول که همان نظریه پردازی در عرصه رده بندی است، اکتفا می شود. ۲۸

ادیب وظیفه ای جز این نیست که صفحات کتاب را ورق بزند تا دریابد که چگونه جویبارهای معارف در آن به هم پیوسته اند و نهرهای علوم از آن فوران می کنند و بدانند که نویسنده محقق آن، چه تلاش و کوششی در راه تصنیف آن به خرج داده است (ص ۲۴). در صفحات بعدی می نویسد: نویسنده کشف الظنون به ویژه از پرتو کتاب مفتاح السعادة سود برده است؛ به این صورت که او در برخی مواقع نقد لطیفی را به مطالب آن افزوده و در برخی موارد دیگر، مطلبی را افزوده و در بسیاری از اوقات نیز، تنها سخن او را به طور کلمه به کلمه نقل کرده است (ص ۲۶).

۲۱. احمد زکی می گوید: کتاب ابن ندیم به نام فوز العلم است، ولی برخی از آن به الفهرست یاد کرده اند (ص ۲۹).

۲۲. زکی پاشا در صفحه ۳۲ به این صورت آورده است، ولی صحیح آن کشف اصطلاحات الفنون است.

۲۳. همان گونه که احمد زکی بیان می کند، کتاب به سه بخش تقسیم می شود که عبارت اند از: الاول: الوشی المرقوم فی بیان الحوال العلوم؛ الثانی: السحاب المرقوم الممطر بانواع الفنون واصناف العلوم؛ الثالث: الرحیق المختوم من تراجم ائمة العلوم. در این کتاب ابتدا مجموعه لغات عربی به صورت معجم آمده است و پس از آن همه فنون به طور کامل ذکر شده و در مرحله آخر علوم فلسفی، طبیعی و ماوراء طبیعت را بیان نموده است. این کتاب دو بار در بولاق و یک بار در قسطنطیه به چاپ رسیده است.

۲۴. در صفحه ۳۴-۳۵ می نویسد: لازم است مطلبی را از کتاب سفینه الراغب و دقیقة المطالب علامه وزیر راغب پاشا نقل کنیم. راغب پاشا از جانب حکومت عثمانی و سنی، حاکم مصر بود. او در کتاب خود، مطالب پراکنده فراوانی در زمینه معارف گردآوری کرده و بسیاری از مسائل مهم را در آن ذکر نموده است. این کتاب از بهترین مجموعه ها به شمار می آید.

۲۵. در این زمینه می نویسد: مولای ما مرحوم شیخ الهادی ابیاری در کتاب ارزشمند الخطط التوفیقیة الحدیدة از علی مبارک پاشا نقل می کند که او درباره این موضوع کتاب ارزشمندی تألیف و به عنوان پیشکش به جناب خدیو تقدیم نموده است. آن را سعود المطالع شرح سعود المطالع نامیده و در آن ۴۲ فن را تشریح کرده است.

۲۶. با توجه به شخصیت احمد زکی و نقش بااهمیت او در حیات عقلی معاصر، پژوهش او نیازمند تحلیل کافی و جداگانه است.

۲۷. این مسئله در ضمن سخنرانی هایی آمده است که ماسینیون در دانشگاه ملی قدیم قاهره در سال های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ ایراد نمود. با اینکه سؤالات فراوانی درباره شخصیت ماسینیون وجود دارد، ولی ماسینیون در شرایطی آنها را به زبان عربی ایراد کرد که هنوز سی سال نداشت. اهمیت این سخنرانی ها در آن است که از ارائه روش و اسلوب موجود در فلسفه اسلامی سنتی فراتر رفته و به شکل پژوهش اصطلاح شناسی فلسفه روی آورده است. ماسینیون در اینجا از روشی که اندریه لالاند در معجم فلسفی خود انجام داده است، پیروی می کند و ما در نوشته تحقیقی خود بیان کردیم که چگونه ماسینیون در این پژوهش بین ارائه یک مطلب تاریخی و نوشته معجم گونه برتری قائل شده است.

۲۸. زوایا و جنبه های دیگر مطالب را در سخنرانی سوم، چهارم و سی ام مشاهده کنید.

کتاب الفهرست ابن ندیم است. ۲۱

کتاب مدینه العلوم از ارنیقی شبیه مصباح السعادة است و با اینکه به نظر احمد زکی نتوانسته است مشکل اصلی را حل کند، ولی بسیار دقیق است و باید دقت علمی او را ستود.

کتاب کشف اصطلاحات العلوم از شیخ محمدعلی تهانوی هندی اثر پرمغز دیگری است. ۲۲ کتاب ابجد العلوم محمدصدیق حسن خان بهادر حسینی نجاری قنوجی امیر هوبال که در سه بخش به علوم پرداخته نیز مهم است. کتاب کلیات ابی البقاء که اساساً مجموعه مفاهیم و الفاظ قرآن است، ولی الفاظ مصطلح در همه فنون و علوم را نیز توضیح می دهد. ۲۳

کتاب سفینه الراغب و دقیقة المطالب از علامه وزیر راغب پاشا ۲۴ کتاب سعود المطالع شرح سعود المطالع از شیخ عبدالهادی ابیاری که در آن ۴۲ علم را توضیح داده است. ۲۵

سرانجام مؤلف فصلی مستقل را به رسائل اخوان الصفا اختصاص داده است و توضیح می دهد دانشمندان از این رسایل همواره استفاده کرده اند؛ از این رو شایسته است به آنها توجه بیشتری شود؛ زیرا این رسایل ما را به شیوه نگرش مسلمانان نسبت به معارف عقلی راهنمایی می نمایند. در ادامه، به تفصیل محتوای این رسایل را ارائه و اهمیت شان را یادآوری می کند.

پس از بررسی منابع قدیمی، به سراغ منابع جدید رفته، از ۲۴ کتاب دایرة المعارف البستانی، از بطرس بستانی آغاز می کند.

پژوهشی که گزارش آن در اینجا ارائه شد، از بهترین تحقیقات درباره جریان رده بندی و طبقه بندی علم و اطلاعات در فرهنگ اسلامی است. نویسنده نیز با استفاده از منابع اسلامی و غربی و استفاده از شیوه تاریخی، گزارش جامعی عرضه کرده است. ۲۶

### پژوهش لویی ماسینیون

دیدگاه مستشرق فرانسوی، لویی ماسینیون ۲۷ درباره طبقه بندی و ترتیب علوم درسی و دومین سخنرانی در دانشگاه ملی در زمینه تاریخ اصطلاحات فلسفی ایراد شده است.

وی از سه زاویه به مسئله پرداخته است: ۱. ترتیب و طبقه بندی علوم از جهت نظریه های فنی رده بندی؛ ۲. از جهت آموزشی و شیوه های گوناگون تحقیق و تدریس؛ ۳. از طریق آثار

پژوهش ۱۳۶

در اینجا به دیدگاه ابن خلدون در این زمینه پرداخته، می‌گوید:  
از دیدگاه ابن خلدون در المقدمه، ارکان هفتگانه در فلسفه  
عبارت اند از: منطق، حساب، هندسه، هیأت و ستاره‌شناسی،  
موسیقی، طبیعیات و مابعد الطبیعه.

از دیدگاه ماسینیون ابن خلدون نقطه اتصال دیدگاه مسلمانان  
نسبت به طبقه بندی علوم و آنچه در اروپای قرون وسطی به نام  
فنون هفتگانه معروف بود، می‌باشد.

بنابراین علوم از دیدگاه غربی‌ها در قرون وسطی بر هفت  
علم یا فن تقسیم شده است و گرچه این طبقه بندی را یادگار  
بوئیوس دانسته‌اند، ولی صحیح آن است که این نظریه نشئت  
گرفته از تأثیرات متفکران مسلمان، از جمله ابن خلدون است.

#### پژوهش عثمان امین

عثمان امین در مقدمه کتاب *العلوم فارابی سومین پژوهش*  
را عرضه کرده است. حجم این مقدمه تحقیقی حدود پنجاه  
صفحه است. تأثیر تحلیل عثمان امین بر همه کسانی که پس از او  
درباره این موضوع مطلب نوشته‌اند، به خوبی آشکار است.

عثمان امین به ترتیب، ابتدا به بررسی هدف فارابی از تألیف  
این کتاب می‌پردازد. همواره این پرسش مطرح بوده است که  
هدف فارابی از نوشتن *العلوم چه بوده است؟ آیا آنگونه*  
که محققانی همچون میخائیل غزیری، شینسیدز، دیتیش،  
بستانی، جرجی زیدان، احمد زکی پاشا و فرید وجدی عقیده  
دارند، هدف او ارائه *دائرة المعارفی* از علوم بوده است؟ یا آنگونه  
که امثال مونک، محمدرضا شبیبی و فارمر می‌پندارند، منظور  
فارابی تنها این بوده است که خلاصه‌ای از علوم زمان خود را  
ارائه کند؟

به هر حال، عثمان امین دیدگاه خود را با طرح چند پرسش  
بیان می‌کند: آیا فارابی صرفاً در صدد بیان مشهورترین علوم بوده  
۲۹. ماسینیون به طور مفصل اقسام علوم را از دیدگاه افلاطون و منابع او را  
بیان می‌کند؛ البته تقسیم بندی سه گانه او دارای اشتباهاتی است؛ زیرا او  
علوم را به تجربی، قیاسی و برهانی تقسیم می‌کند؛ در صورتی که برهان  
به معنای صحیح خود، علم به شمار نمی‌آید، بلکه اسلوب و روش علم  
است؛ چون خود افلاطون، برهان را اینگونه توضیح می‌دهد: برهان  
مبتنی بر حق است. در این تعریف علوم تجربی مانند طب و کشاورزی و  
دریانوردی و نیز علوم قیاسی (ریاضی) مانند حساب و هندسه، برهان  
نیستند.

30. Poetigues.

31. Pratigues.

32. Speculative.

۳۳. در اینجا توجه به این نکته لازم است که ماسینیون بر خلاف روش  
ارسطویی تقسیم علوم، از اقسام پایین تر شروع و به بالاتر ختم می‌کند.

ماسینیون بر بنیان های فلسفی طبقه بندی علوم تأکید می‌ورزد  
و معتقد است: هر فیلسوفی یک اصل فلسفی دارد که طبقه بندی  
علوم را بر اساس آن انجام می‌دهد. اصرار او نیست که هر  
فیلسوفی به ناچار به ریشه و اصل علوم می‌نگرد. ماسینیون در  
ادامه، طبقه بندی های فیلسوفان مختلف را ارائه کرده است. از  
افلاطون و ارسطو شروع نموده، باره بندی های زمان خود،  
مطلب را پایان می‌دهد.

افلاطون، علوم را به سه بخش زیر تقسیم می‌کند:

۱. علوم تجربی: پزشکی، کشاورزی و دریانوردی؛
۲. علوم ریاضی: حساب و هندسه و ...؛
۳. علوم برهانی: برهانی که بر حق و حقیقت بنیانگذاری  
شده باشد. ۲۹

در دیدگاه ارسطو، همه علوم به سه بخش تقسیم می‌شدند:  
۱. علوم بیانی<sup>۳۰</sup> که علوم درجه پایین به شمار می‌آیند و  
عبارت اند از: خطابه، جدل و برهان؛ ۲. علوم عملی<sup>۳۱</sup> که  
عبارت اند از: فطریات و اقتصادیات (سیاست و تدبیر منزل)؛  
۳. علوم نظری<sup>۳۲</sup> که عبارت اند از: ریاضیات، طبیعیات و  
ماوراء طبیعت که علوم برتر به شمار می‌آیند. ۳۳

این نظم و ترتیب در فرهنگ مسلمانان مؤثر بوده است؛ به  
طوری که ابن رشد آن را در طبقه بندی برهان‌ها مورد استفاده قرار  
داد؛ همچنین در رسائل اخوان الصفا که علوم را به چهار بخش  
ریاضیات، طبیعیات، علوم عقلی و الهیات تقسیم کرده‌اند،  
مورد استفاده قرار گرفته است.

به دنبال مطالب فوق، طبقه بندی علوم از دیدگاه ابو حامد  
غزالی از کتاب *المنقذ من الضلال* نقل شده است: ریاضیات،  
منطق، طبیعیات، الهیات، سیاست و فطریات. پس از آن، به  
عنوان یک انتقاد، اشاره می‌کند: طبقه بندی غزالی همان نظم و  
ترتیب مشایین نسبت به علوم به ویژه ابن سیناست؛ در حالی که  
غزالی بنا بر تهافت و ضدیت اش با فلسفه، باید دیدگاه دیگری  
عرضه می‌داشت. البته می‌توان گفت دیدگاه غزالی در کتاب  
*المنقذ من الضلال* بر اساس ذوق و عرفان بنیان نهاده شده است  
و با طبقه بندی مشایین که استدلالی صرف است، از اساس  
تفاوت دارد.

با اینکه پژوهش احمد زکی پاشا و لویی ماسینیون هر دو، به طور اجمالی درباره طبقه بندی و تقسیم علوم است، ولی باروش و هدف متفاوتی ارائه شده اند؛ زیرا پژوهش احمد زکی در محدوده کتابشناسی ها و دانشنامه ها است، در حالی که پژوهش ماسینیون برای تدریس به دانشجویان و در مورد تاریخ مصطلحات است؛ از طرف دیگر، پژوهش عثمان امین، محدود به طبقه بندی علوم توسط فارابی در احصاء العلوم است؛ درست مانند پژوهشی که کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور ارائه داده اند.<sup>۳۸</sup> این دو، پژوهش خود در مورد طبقه بندی علوم را، در مقدمه کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة از طاش کبری زاده آورده اند.<sup>۳۹</sup>

پژوهش اخیر، نزدیک به هشتاد صفحه حجم دارد و محققان مذکور پس از یک مقدمه، به تلاش های پیش از طاش زاده درباره طبقه بندی علوم از فارابی به بعد اشاره می کنند؛ علاوه بر آن، منابع و مصادر طاش زاده را تحلیل و بررسی کرده اند. این مباحث از ابن ندیم و کتاب الفهرست او آغاز می شود و با طاش زاده پایان می پذیرد؛ البته وقتی به کتاب طاش زاده می رسد، آن را مشروح تر تحلیل می کند. پس از آن، با دایرة المعارف نگاری و نیز طبقه بندی علوم از دیدگاه متفکران مسلمان و عرب، مطلب را پی می گیرد. این پژوهش به شیوه اقتباسی و گزینشی تدوین شده است؛ به طوری که بسیاری از مطالب را از عثمان امین و احمد زکی برگرفته است.

به هر حال فارابی پیشکسوت موضوع طبقه بندی علوم است و پژوهش ها از او آغاز می شود؛ زیرا احصاء العلوم اولین کتاب در نوع خودش است که باروش تخصصی درباره موضوعات علوم، تعداد آنها و ارتباط آنها با یکدیگر سخن گفته، مسائل و اهداف آنها را تبیین کرده است.<sup>۴۰</sup>

۳۴. عثمان امین؛ مقدمه چاپ تحقیقی احصاء العلوم فارابی؛ ص ۱۸.

۳۵. برای نمونه افرادی همچون محمد علی ابوریان، کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور در پژوهش های خود از این مبحث فارابی متأثر بوده اند.

۳۶. عثمان امین؛ همان، ص ۱۹.

۳۷. همان.

۳۸. به پژوهش عبدالوهاب ابوالنور و کامل بکری در مقدمه تحقیق کتاب مراجعه فرمایید.

۳۹. عثمان امین؛ همان، صص ۲۱، ۲۲ و ۲۳.

۴۰. عبدالوهاب ابوالنور و کامل بکری؛ مقدمه بر چاپ تحقیقی مفتاح السعادة و مصباح السیادة فی موضوعات العلوم؛ قاهره: دارالکتب الحدیثة، ص ۵۰.

یا می خواسته آنها را تقسیم و احیاناً طبقه بندی کند؟

فارابی مسائل نظری مربوط به طبقه بندی علوم را در کتاب التنبیه علی سبیل السعادة ارائه کرده و در احصاء العلوم غیر از نظریه پردازی، تطبیق آن را نیز آورده است.<sup>۳۴</sup>

بخش چهارم، درباره تأثیر احصاء العلوم در فرهنگ اسلام، از مهم ترین بخش های آن است که تقریباً کلمه به کلمه توسط کسانی که پس از فارابی درباره این موضوع قلم زده اند، نقل شده است.<sup>۳۵</sup> این کتاب ابتدا بر مسائل اخوان الصفا تأثیر گذارد و پس از آن، بر مفاتیح العلوم خوارزمی مؤثر بوده است؛ البته اساس تقسیم مفاتیح العلوم با احصاء العلوم متفاوت است.<sup>۳۶</sup>

عثمان امین در ادامه، به توضیح کتاب ابن سینا پرداخته، می گوید: با اینکه شکل و عبارات دو کتاب متفاوت است، ولی بین تقسیم بندی فارابی و ابن سینا از جهت اصل و اساس، هماهنگی کاملی وجود دارد؛<sup>۳۷</sup> افزون بر اینها، رساله ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد از شمس الدین محمد بن ابراهیم بن ساعد انصاری (در گذشته به سال ۷۴۹ ق/ ۱۳۴۸ م) و مقدمه ابن خلدون را تحلیل کرده، نتیجه گیری کرده تقسیم بندی ابن خلدون با خوارزمی نزدیک به هم است. در ادامه، یادآوری می کند: کامل ترین مجموعه های علمی در زمینه ادبیات و هنر عرب، مفتاح السعادة و مصباح السیادة طاش کبری زاده و پس از آن، کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون مصطفی عبدالله مشهور به حاجی خلیفه است. در مرتبه بعد از این دو، کتاب ابجد العلوم صدیق حسن خان و سرانجام کشف اصطلاحات الفنون تهانوی قرار دارند.

نویسنده در بخش بعدی، از تأثیر احصاء العلوم بر جهان غرب سخن می گوید و در بخش ششم اهمیت آن را متذکر شده، به یادآوری تلاش های مستشرقین غربی و شرقی در بررسی و پیدایش نسخه های خطی عربی و یا لاتینی و ترجمه شده کتاب می پردازد؛ همچنین مبحثی را به بررسی نسبت برخی نسخه های خطی به فارابی و تحقیق چاپ سوم احصاء العلوم اختصاص داده است. در یک فصل نسبتاً طولانی و مستقل، از فلسفه فارابی سخن گفته، مصادر و منابع گوناگون آن را در زبان های مختلف برای نشان دادن ریشه های فلسفی مباحث، بررسی کرده است.

مشکلات فلسفی و ابعاد آن آمده است و عمده مباحث آن عبارت اند از: تحول اصطلاحات و مفاهیم فلسفی، دیدگاه‌های فلسفی، اصلاح اندیشه فلسفی، تعریف‌های فلسفه، مشکلات و چالش‌های فلسفه، حدود شناخت فلسفی، ارتباط فلسفه و علم، روش علم و طبقه‌بندی علوم فلسفی.

در فصل طبقه‌بندی علوم، به این مباحث پرداخته است:

الف) طبقه‌بندی گذشته‌گان: طبقه‌بندی افلاطون، طبقه‌بندی ارسطو، طبقه‌بندی اپیکوری‌ها و رواقیین؛

ب) رده‌بندی دانشمندان مسلمان (دانشمندان مسلمانی که نحوه طبقه‌بندی علوم را از ارسطو دریافت کرده، چیز اصیل و مهمی به آن نیفزودند): در اینجا از کندی و فارابی سخن می‌گوید و از عثمان امین در مورد تأثیر کتاب فارابی در جهان اسلام نزد اخوان الصفا و خواریزمی نقل قول می‌نماید. البته دیدگاه عثمان امین را در این زمینه بدون اشاره به او، این گونه بیان می‌کند: طبقه‌بندی خواریزمی با طبقه‌بندی فارابی تفاوت چندانی ندارد.

ابوریان در ادامه، از این افراد با عنوان کسانی که به این مبحث پرداخته‌اند، به ترتیب نام می‌برد: ابن سینا، شمس‌الدین سنجاری و رساله او به نام ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد، ابن خلدون و مقدمه طاش کبری زاده و کتابش به نام مفتاح السعادة، مصطفی عبدالله، مشهور به حاجی خلیفه که فهرستوار، مشهور خود را به نام کشف الظنون تألیف نمود. حسن صدیق‌خان و کتاب او ایجد العلوم، مولوی تهانوی و کتاب او کشف اصطلاحات الفنون.

ابوریان از کتاب روضات الجنات خوانساری با عنوان کتابی درباره علوم یاد می‌کند؛ با اینکه کتاب روضات الجنات به تاریخ دانشمندان شیعه اختصاص دارد.

در پژوهش فوق، این نکات قابل توجه است:

۱. تصور اینکه موضوع این تحقیق «فلسفه» است و محدوده طبقه‌بندی علوم فلسفی را بیان می‌کند، اشتباه است؛ زیرا بحث درباره طبقه‌بندی علوم در قلمرو مباحث فلسفی بوده است؛ البته در اعصار گذشته و قرون وسطی علوم با فلاسفه، ارتباط و تعامل داشته‌اند، ولی در قرون‌های اخیر از یکدیگر جدا شده‌اند.

۴۱. همان، ص ۵۰.

۴۲. همان، ص ۵۱، ۴۳. عثمان امین؛ همان، ص ۲۲.

۴۴. عنوان عربی این اثر اینگونه است: الفلسفة ومباحثها. مبحث طبقه‌بندی علوم، در صفحات ۱۰۵ تا ۱۳۱ آمده است.

۴۵. محمد علی ابوریان از متفکران و فلاسفه مصر، آثار مشهور و مهمی در زمینه تاریخ فلسفه دارد؛ نیز مقاله «تصنيف العلوم بين الفارابي و ابن خلدون» را در مجله عالم الفكر (مجلد نهم، ش ۱، ۱۹۷۸ م) نوشته و منتشر ساخته است.

این دو محقق، یعنی کامل بکری و ابوالنور با اشاره به اینکه در تحقیق خود بر پژوهش عثمان امین تکیه کرده‌اند، خود به تقدم امین و اقتباس از او اعتراف کرده‌اند.<sup>۴۱</sup> در هر صفحه‌ای از این کتاب و یا حتی در یک صفحه دو بار به پژوهش عثمان امین اشاره شده است.<sup>۴۲</sup> نکات ذیل در این پژوهش قابل ملاحظه است.

۱. گرچه به تحقیقات دیگر مانند احصاء العلوم والفهرست به صورت تعلیقه و به عنوان روشن شدن و یا تکمیل بحث اشاره شده است، ولی تنها به تحلیل کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة بسنده کرده است.

۲. به مطالب عثمان امین در مورد فارابی و تأثیر او بر فلاسفه دیگر اعتماد نموده‌اند. گاه بدون آنکه نامی از عثمان امین ببرند، به بیان دیدگاه‌های او پرداخته است؛ علاوه بر آن، بر نقل احمد زکی در مورد ۲۵ کار تحقیقی در موضوع طبقه‌بندی علوم تکیه کرده است.

۳. گرایش به معتبر شمردن کتاب از طریق انجام طبقه‌بندی علوم و نسبت دادن آن به تخصص نویسنده آن در کتابداری، بدون اینکه از تأثیرات دیگران بر نویسنده مانند فارابی در احصاء العلوم سخن بگوید؛ در صورتی که کتاب به سهم خود، از رساله ارشاد القاصد و غیر آن بهره برده است؛ حتی در برخی موارد، مطالب مختصری به آن افزوده است و در موارد دیگر، تنها به نقل خود تعریف‌ها بسنده کرده است.<sup>۴۳</sup>

۴. شبیه احمد زکی که طاش کبری زاده این کتاب را از مدینه العلوم ارنیقی سرقت ادبی کرده است، اهمیت فراوان دارد و تلاش کرده جوانب این ادعا را بررسی کند.

۵. تمایل به طرح استثنائات تاریخی بدون ژرف نگری در موضوعات فلسفی، مانند ارتباط دائرةالمعارف‌ها با طبقه‌بندی علوم، از دیگر ویژگی این پژوهش است.

دیدگاه ابوریان

یکی از پژوهش‌های دیگر، مبحث طبقه‌بندی علوم فلسفی است که به عنوان یک فصل در جزء آخر بخش اول کتاب فلسفه و مباحث آن<sup>۴۴</sup> از ابوریان<sup>۴۵</sup> آمده است. این بخش در سیاق بیان



در مورد این خلدون نموده است، دارد؛ همچنین به رده بندی های صوفیان، کندی و خوانساری از بین مسلمانان و بیکن، ولف و اسپنسر از بین فلاسفه معاصر غرب، توجه کرده است.

#### دیدگاه احمد بدر

پژوهش دیگر، فصلی از احمد بدر در کتاب خود به نام دراسات فی المكتبة والثقافین درباره طبقه بندی علوم در فرهنگ عرب است. هدف اصلی بدر، ارائه راهکار برای کتابداران و در پژوهش های کتابداری در زمینه طبقه بندی علوم است.

احمد بدر، ابتدا خلاصه ای از تاریخ طبقه بندی علوم نزد عرب، از قرن دوم تا یازدهم قمری را بیان می کند و به یک مفهوم اساسی - که همان وحدت علوم و معارف بشری است - اشاره می نماید. او می گوید: با توجه به مفهوم اساسی وحدت علوم گوناگون، همه علوم به منزله شاخه های یک درخت اند که مطابق طبیعت خود، برگ و بار می دهند.

با وجود اینکه اندیشه وحدت علوم و اعتماد برخی از آنها بر برخی دیگر، در نزد افلاطون امری پذیرفته شده است و فلسفه او در طبقه بندی علوم پیرامون همین نکته دور می زند، ولی این اندیشه، با فکر عربی - اسلامی، به ویژه با توجه به عقیده توحید که اسلام منادی آن بود، تحکیم یافت و پشتیبانی شد.<sup>۴۶</sup>

نکته فوق، مطلب کاملاً صحیحی است که در دیدگاه بسیاری از فلاسفه و نویسندگان عربی وجود دارد. احمد بدر، در بند بعدی، نسبت به واقعیت مهمی که باید در برابر آن تأمل کرد و آن را تحلیل نمود، اینگونه سخن می گوید: دانشمندان و فلاسفه عرب، طبقه بندی های متفاوتی در مورد علوم دارند که ما تنها برخی از آنها را می شناسیم و نسبت به برخی دیگر، تا کنون شناخت و اطلاعات کافی پیدا نکرده ایم؛ بنابراین موضوع طبقه بندی علوم نزد عرب، موضوعی است که [پرونده آن] برای بحث، پژوهش و مقایسه با یکدیگر، باز است.<sup>۴۷</sup>

این نکته، مطلب صحیحی است؛ زیرا بسیاری از میراث عربی، هنوز به صورت دست نوشته باقی مانده است. ما تنها به برخی نوشته های پراکنده در این زمینه دسترسی پیدا کرده ایم که احیاناً درباره اندکی از آنها تحقیقات علمی انجام گرفته و یا چاپ شده اند. به هر حال، ما تنها تعدادی از کتاب های چاپ شده و یا خطی مربوط به موضوع را می شناسیم و نسبت به بخشی عظیمی از آن، عملاً شناخت کافی نداریم. ما نظر بدر را در این مورد

۲. تحقیق مورد نظر، در حقیقت پژوهشی عمیق نیست، بلکه بیانی ساده و آموزشی برای تدریس است. این نکته از بیان شتابزده تصنیف افلاطون به دست می آید که بدون اشاره به مکان و یا منبعی که بتوان به آن مراجعه نمود، ارائه شده است. همین مطلب در مورد اپیکوری ها و رواقیین نیز صدق می کند که به صورت بحث تکمیلی آمده است.

در مورد «کندی» هم که اشاره به او موجب امتیاز نوشته شده است، این اشکال وجود دارد که خود نویسنده به رسائل کندی مراجعه نکرده و به کتاب الفلسفة الاسلامیة، شخصیاتها و مذاهبها، ارجاع داده است. همین نقطه ضعف در مورد سهروردی نیز وجود دارد؛ زیرا اینکه مؤلف از جمله پژوهشگران بزرگ و دقیق آثار سهروردی است، در بیان طبقه بندی علوم از نگاه سهروردی و صوفیان، بحث های کاملی نیاورده است.

اشکال فوق نسبت به بیکن و دکارت نیز صادق است؛ زیرا مؤلف به کتاب های فلسفی اخیر ارجاع می دهد و سخن او در این زمینه اصولی و منطبق با شیوه تحقیق نیست. در مورد دالمبیر و ولف نیز همین گونه سخن گفته است و از فوندت و هگل هم یک سطر بیشتر نوشته است؛ البته در مورد آگوست کنت حق مطلب را ادا کرده است، ولی در این باره نیز منبعی برای ارجاع ذکر نکرده است؛ چنانچه در مورد اسپنسر نیز از ذکر منبع خبری نیست.

۳. گاه شتابزده و بدون تحقیق کافی، قضاوت کرده است و دانشمندان مسلمان و عرب را از تهمت اخذ و نقل مطالب از ارسطو و یونانی ها تبرئه نکرده است. رده بندی های مسلمانان را نیز در حدود یازده صفحه بیان کرده، ولی پس از آن گفته است مسلمانان طبقه بندی علوم را از ارسطو گرفته اند و مطلب اساسی و مهمی به آن نیفزوده اند.

این مطلب، یک نکته مهم و اساسی است که مستشرقین و دیگران، آن را دهان به دهان نقل کرده، بدین وسیله سهم و مشارکت عربی - اسلامی را نسبت به آنچه تقدیم بشریت کرده اند، فرو می کاهند.

۴. با وجود همه این نقاط ضعف، مشاهده می کنیم اشارات مهم و قابل توجهی به برخی از رده بندی هایی که نویسندگان پیش از او بیان نکرده اند، دارد؛ افزون بر آن، تحلیل های بااهمیتی مانند آنچه

۴۶. احمد بدر؛ دراسات فی المكتبة والثقافین؛ ج ۲، قاهره: دارالثقافة للطباعة والنشر، ص ۲۹۳.

۴۷. همان.

صحت و موضوعیت) دقیق و مختصر می باشد.

۲. او درك هوشیارانه ای نسبت به هویت رده بندی های متفکران عرب دارد و ویژگی های آن را در مقایسه با کارهای مشابه یونانی دارد؛ زیرا او در برابر هر تلاش عربی-اسلامی در این زمینه تأمل می کند و دقیق ترین امتیازات و ویژگی ها و یا موارد اتفاق و اختلاف را کاملاً بیان می نماید.

۳. تنها به تلاش های دانشمندان کتابدار و یا متخصصان کتابخانه ها، اکتفا نمی کند بلکه به آنچه فلاسفه و پژوهشگران فلسفه و فلسفه علم نیز ارائه کرده اند، مراجعه می کند. این نکته از میانه سخنان او و منابع اصلی ای که ارائه می دهد- و برخی از آنها در زمینه مسائل فلسفی است- روشن می شود. تعدادی از این منابع عبارت اند از: ۱. کتاب سیدحسین نصر، علم و تمدن در اسلام<sup>۵۰</sup> از انتشارات دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۸؛ ۲. مختار رسائل جابر بن حیان، از جابر بن حیان که توسط کراوس تحقیق شده و در سال ۱۹۵۴ در قاهره به چاپ رسیده است؛ ۳. کتاب دومیلی، العلم عند العرب و اثره فی تطور العلم العالمی؛ ۴. کتاب جلال موسی، منهج البحث العلمی عند العرب. دو کتاب اخیر درباره تاریخ علوم از دیدگاه عرب و فلسفه علم است. افزون بر مراجعه به تلاش های استادان کتابدار و متخصصان کتابخانه ها، معلوم می شود او بر نوشته عثمان امین نیز اعتماد کرده است.

۴. مسئله ای اختلافی وجود دارد که تنها در مورد مؤلف نیست، بلکه مسئله ای کلی و قابل طرح در اینجاست و آن اینکه: براساس نظر مؤلف نسبت به دانشمندان کتابدار و متخصصان کتابخانه ها بطور کلی و با ملاحظه اینکه طاش کبری زاده، مطالب خود را درباره موضوع به خوبی جمع آوری و حفظ کرده است، کامل ترین طبقه بندی ها، رده بندی اوست. به هر حال، اگر این تعبیر و قضاوت در مورد طاش زاده و کتاب او روا باشد، ضرورتاً به این معنا نیست که رده بندی او، از نظر فلسفی هم دقیق ترین و بااهمیت ترین آنها است؛ زیرا او در بسیاری مواقع بر تلاش ها و تحقیقات پیشینیان، به لحاظ توضیح مطالب یا خلاصه کردن و جمع آوری آنها اعتماد کرده، از آنها استفاده نموده است؛ چه بسا نکته جدیدی به آنها اضافه نکرده باشد و ابتکار جدیدی نیاورده باشد؛ بنابراین نمی توان نتیجه گرفت که اگر مطالب در علم طبقه بندی، کامل تر و ساده تر باشد، ضرورتاً

۴۸. همان.

۴۹. احمد بدر؛ همان، ص ۲۹۴.

۵۰. این کتاب به عربی با این عنوان ترجمه شده است: العلم والحضارة فی الاسلام.

می پذیریم، ولی سؤالی که باید اینجا مطرح شود، این است که: اگر تلاش پژوهشگران کتابدار در این زمینه کافی نیست، وظیفه چه کسی است که این رده بندی ها را بررسی و پژوهش نماید؟! این پرسش، مؤید فراخوان احمد بدر است که: طبقه بندی عرب در مورد علوم، موضوعی است که پرونده آن برای بحث، پژوهش و مقایسه باز است و این موضوع نقطه عطفی در پیشرفت جامعه بشری محسوب می شود.

احمد بدر در ادامه، اندیشه های اساسی در تاریخ عربی را بیان می نماید و با اشاره های کوتاه و دقیق، آن را به جابر بن حیان باز می گرداند که قدیمی ترین طبقه بندی علوم را مطرح کرده است؛ در صورتی که مورخان نسبت به آن توجه نکرده اند. جابر در طبقه بندی خود از علوم، از روش ارسطویی پیروی و تقلید نکرده است، بلکه خود تقسیم ویژه ای دارد.<sup>۴۸</sup> نویسنده در چند سطر کوتاه، چهار مطلب اساسی بیان کرده است که عبارت اند از:

۱. طبقه بندی علوم از جابر آغاز می شود؛

۲. مورخان از نکته فوق غفلت کرده اند؛

۳. جابر در این زمینه، از روش ارسطو تقلید نکرده است؛

۴. ویژگی های طبقه بندی جابر از علوم.

گرچه ما با بدر در این موارد اتفاق نظر داریم، ولی نکته اول، قبل از اظهار نظر قطعی، نیازمند بحث و بررسی بیشتری است. او در مورد روش طبقه بندی علوم توسط کندی، از دیدگاه خود دفاع می کند. طبقه بندی کندی با روش ارسطویی تفاوتی ندارد؛ مگر از جهت اینکه کندی به دین مبتنی بر وحی توجه دارد، در صورتی که ارسطو دینداری مبتنی بر فلسفه را مهم می داند؛ به همین دلیل، کندی علوم ارسطویی را ارائه می کند و علوم اسلامی را به آن می افزاید و در نتیجه، معارف دینی و معنوی، بالاترین رتبه را در طبقه بندی او به دست آورده اند.<sup>۴۹</sup> می توان درباره مطالبی که احمد بدر، به طور خلاصه و با سرعت ارائه کرده است، به تأملات ذیل اشاره نمود:

۱. بیان او همراه با دقت علمی و مطالب او، مشخص و شفاف است و از شرح زیاد و طرح استثنائات و مطالب پراکنده، تا حد زیادی به دور است و احکام آن تا حد ممکن (از جهت

بود. ابن سینا در کتابخانه بخارا رفت و آمد می کرد و طبقه بندی علوم، نمونه فهرست هایی بود که برای هر علمی آماده کرده بود و مانند فهرست کتاب هایی که خواننده برای آگاهی نسبت به محتویات کتاب، به آنها مراجعه می کند، مورد استفاده قرار می گرفت. ۵۲ همه این نمونه ها نشان می دهد کتابدارها در طول تاریخ تمدن اسلامی - عربی مجموعه کتاب ها و علوم را بر اساس الگوهای ویژه ای، تنظیم و طبقه بندی می کردند که مسئولان و کتابداران کتابخانه ها، بر آن اعتماد داشتند.

نویسنده، سخن خود را در «زمینه علم طبقه بندی» و الگوهای آن از دیدگاه کندی، خوارزمی، اخوان الصفا، فارابی و طاش کبری زاده تفصیل می دهد و پس از بیان نسبتاً مفصل این الگوها معتقد می شود که این الگوها به صورت تدریجی و گام به گام، به الگوی مناسب امروزی و ویژگی های آن تکامل یافته است. ارتباط پیوسته و ریشه داری بین این الگوها با الگوهای قبلی و بعدی وجود دارد و شرایط آنها اینگونه است که الگوهای پیشین، مسیری بوده اند برای رسیدن به الگوی تکامل یافته امروزی؛ همانگونه که دستاوردهای کنونی در این زمینه، نتیجه تلاش های پیشین افلاطون و ارسطو به شمار می آیند، البته با این تفاوت که طبقه بندی های اسلامی از علوم، با توجه به اشکال، ویژگی ها و امتیازات آنها، در مقایسه با دیگر طبقه بندی ها، از شخصیت منحصر به فرد و ابتکاری ای برخوردار است که در رده بندی های یونانی موجود نیست. توجه به این مطلب، ما را متوجه اشتباه کسانی می نماید که گمان می کنند طبقه بندی های فلسفی علوم از نظر فلاسفه مسلمان، بارده بندی های یونانی چندان تفاوتی ندارند و اینها، تنها برگردان شده و تغییر شکل یافته آنها هستند. ۵۳ ما به سهم خود، تأملات و ملاحظاتی درباره پژوهش فوق داریم که آن را، از آخرین نکته ای که نویسنده مطلب خود را با آن پایان بخشیده بود، آغاز می کنیم. او ۸۴ تألیف را نام برده که به این بخش از طبقه شناسی علوم اهمیت داده بودند. حقیقت این است که تألیفات ذکر شده و ذکر نشده، گرچه بحث شان در مورد تقسیم، ترتیب و تعداد علوم است، ولی نقطه شروع اکثر آنها از علم ویژه ای به نام «طبقه بندی» - که از دیگر شاخه های علم و شناخت متفاوت است - بیگانه و به دورند؛ به تعبیر دیگر، ما از بیشتر تألیفات مورد نظر، نسبت به علوم دیگر احساس تمایز و استقلال نمی کنیم، و می توان گفت نقش جمع آوری کننده بودن آنها، بیشتر از صاحب نظر بودنشان در این زمینه است؛ بنابراین

۵۱. همان، ص ۲۰۸-۲۰۹.  
۵۲. همان، ص ۲۰۹.  
۵۳. همان، ص ۲۱۳.

در مورد فلسفه نیز چنین است؛ زیرا چه بسا در فلسفه، آنچه قدیمی تر و بسط تر تلقی می شود، با اهمیت تر، عمیق تر و کامل تر باشد. این نکته، یکی از امتیازات علم و فلسفه است.

### دیدگاه محمدحسن خفاجی

دیدگاه محمدحسن کاظم خفاجی در مقدمه فی التراث الحضاری لتصنيف العلوم منتشر شده است. این پژوهش از جمله تحقیقات با اهمیت در زمینه کتابداری است؛ زیرا محقق آن، مسئول کتابخانه دانشکده دندانپزشکی بغداد و از جهت تئوری و تجربه عملی، دارای تخصص است.

این پژوهش در مجلد ششم، شماره چهارم نشریه المورد (بغداد) با عنوان «العلوم عند العرب» در نه صفحه منتشر شده است. این پژوهشگر به غنای عرب در طبقه بندی اشاره می کند که مورخان کمتر به آن توجه کرده اند. او هدف خود از این پژوهش را ویژگی های تاریخی دانش طبقه بندی و فهرست سازی می داند. پس از آن در بند اول، اهمیت علم طبقه بندی و نیاز به آن را بیان می کند. بیان اکید او بر ارتباط علم طبقه بندی با فلسفه، برای ما موضوع پراهمیتی است؛ همانگونه که تأکید او در جایگاه مهم دانش طبقه بندی بین علوم، به مانند شکل ساختاری شناخت آن را توضیح می دهد: تا جایی که گفته شده است تاریخ تصنیف در برخی دوره های تاریخی، در حقیقت همان تاریخ فلسفه است. نیز روشن می سازد علم طبقه بندی از تاریخ گسترده ای برخوردار است که با سیر فلسفه در تمدن یونان آغاز شده، با فلسفه اسلامی تداوم یافته است و در نهایت این دانش به دست مسلمانان گسترش یافته است. ۵۱

این پژوهشگر در بند مفصلی درباره «طبقه بندی عملی در کتابخانه های اسلامی»، می گوید: زمانی که ما تاریخ کتابخانه ها را در دوران تمدن اسلامی بررسی می کنیم، اشارات آشکاری از وجود نظام طبقه بندی علوم می یابیم که مجموعه های علوم را با ساختار ویژه دسته بندی می کند. کندی برای طبقه بندی علوم، طرحی داشت که بر اساس آن، نوشته های ارسطو را تقسیم می نمود. او کتابخانه ای داشت که «کتابخانه کندی» نامیده می شد. منابع ابن ندیم برای تألیف الفهرست دانش کتابداری

مانند: محاضرات الادباء از اصفهانی، الامتاع والمؤانسه از توحیدی، کتاب های ابن سینا، کتاب های ثعالبی، طبقات الامم از صاعد اندلسی. او به همین ترتیب، از کتاب های مربوط به قرن های ششم، هفتم، هشتم تا قرن چهاردهم نام برده است.

فعالیت و پژوهش حسین محفوظ در این زمینه، فراگیرترین تحقیقات است؛ زیرا بر فهرست کتابخانه های عمومی از گذشته تا کنون تکیه کرده، همه کتب کوچک و بزرگ خطی و منتشر شده را بررسی کرده است؛ تحقیق و فعالیتی آماری و تاریخی که البته نکات ذیل درباره آن قابل توجه است:

۱. تلاش او، اطلاعات مربوط به مواد خام اولیه را بدون بررسی و اظهار نظر فراهم آورده است؛ برای مثال از رساله اقسام العلوم ابن سینا نام می برد و همان گونه که در فهرست های مورد اطمینان او آمده است، برای این رساله، پنج نام ذکر می کند؛ با اینکه رساله مورد نظر، یکی بیش نیست و دو بار زیر عنوان الرسالة فی اقسام العلوم العقلیة چاپ شده است؛ در صورتی که او از این رساله به نام های تقاسیم العلوم الحکمة، اقسام الحکمة، اقسام العلوم، اقسام الحکمة وتفصیلها و اقسام العلوم العقلیة یاد کرده است. البته اگر در موردی، از بیان ماده خام فراتر رفته است، تنها به بیان نام رساله و چاپ جدید آن بسنده کرده است؛ زیرا او در اکثر موارد از ذکر نام مؤلف و کتاب او فراتر نرفته است.

۲. این اثر با وجود اینکه بیشترین تألیفات و تصنیفات را در بردارد، ولی بیان نکرده است چه مقدار از آنها در دسترس است و چه مقدار در دسترس نیست؛ از این رو برای کارهای علمی نمی توان به آن تکیه کرد؛ در نتیجه ما بسیاری از آنچه را که ذکر کرده است، تنها به نام می شناسیم. این کار را می توان با تحقیق احمد زکی در موسوعات علوم عربی مقایسه کرد که هر کتابی را کاملاً توصیف می کند و اگر احیاناً خودش به آن دسترسی نداشته است، به منبع آن اشاره می نماید.

۳. این نوشته، موضوع گسترده دائرةالمعارف ها و موسوعات عربی و شرقی را دربر دارد و این گستردگی، موجب کاهش ارزش علمی آن شده است؛ به همین دلیل سهم کتاب های مربوط به طبقه بندی علوم در آن بسیار اندک است؛

۵۴. صاحب این قلم، با اینکه اساساً متخصص فلسفه است، در زمینه تخصصی خود به این گونه پژوهش ها اقدام می نماید و هدف او انجام کتابشناسی کتاب های فلسفی عربی و مصری است و نیز جستجوگر پژوهش ها و مقالات گوناگون در زمینه فلسفه اسلامی است.

۵۵. حسین علی محفوظ؛ «دوائر والموسوعات العربیة والشرقیة فی ۱۲ قرن»؛ مجله المورد العراقیة، ش ۴، المجلد ۴، ص ۳۶۸-۳۴۱.

تنها افراد اندکی که از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی روند، به این حقیقت پی برده اند که باید این شاخه از علم جدا و مستقل از دیگر علوم شود و احساس کردند که ما نیازمند یک تئوری برای پایه گذاری شاخه ای از شناخت و علم هستیم که دیدگاه وحدت علوم بر آن اشرف داشته باشد؛ از این رو اشتباه است که ما تحقیقات فوق را تحقیقاتی کامل در علم «طبقه بندی» بدانیم، بلکه پژوهش های مورد اشاره (و چه بسا همین پژوهش)، فراتر از اشاره ای به ضرورت تفاوت و استقلال این شاخه از علم نیستند؛ نیز وظیفه این پژوهش ها همیشه تاریخی و مبتنی بر جمع آوری و تحلیل است؛ در صورتی که نیاز ضروری ما این است که گروهی از دانشمندان و پژوهشگران، هر کدام در زمینه تخصصی خود، اقدام به تشریح مساعی در دانش بشری نمایند که از آن به وحدت علم تعبیر می شود. آنچه در اینجا می توانیم به آن بپردازیم، این است که تلاش های کنونی و گذشته عربی-اسلامی را در زمینه فعالیت های علمی، در بخش تألیف و ترجمه، بیان می کنیم. ۵۴

#### دیدگاه حسین علی محفوظ

او مبحث طبقه بندی را در دائرةالمعارف ها و دانشنامه های عربی و شرقی دوازده قرن گذشته، ارائه کرده است. ۵۵ این بحث، نسبتاً طولانی و شامل ۲۸ صفحه بزرگ است. محفوظ معجم های عربی و شرقی، دائرةالمعارف های فارسی، ترکی، اردو و عبری و نیز هر آنچه در عرف علمی، دائرةالمعارف نامیده می شده است را بررسی کرده است.

مؤلف ابتدا دانشنامه ها را از جهت تاریخی رده بندی نموده است و پس از آن، کتاب های مرجع و مجموعه ها و متفرقاتی مانند: سخنرانی ها، کشکول و راهنماها را مرتب کرده است.

او تحقیق خود را از قرن سوم قمری شروع می کند و از این کتاب ها نام می برد: ۱. کمیت کتب ارسطو از کنندی (۲۴۷هـ)؛ ۲. الحیوان از جاحظ. کتاب های مربوط به قرن چهارم قمری، مانند: عقد الفرید، مروج الذهب، رسائل اخوان الصفا، جوامع العلوم از شیخ بن فریعون، بستان العارفین از سمرقندی، وصف العلوم و انواعها از ابی حاتم بستی، رساله جامعه از مجریطی. کتاب های مربوط به قرن پنجم قمری،

علاوه بر این، او از کتاب‌هایی نام می‌برد که به سختی می‌توان آنها را از شمار دائرةالمعارف‌ها و موسوعات به معنای علمی آن به حساب آورد و یا آنها را در ردیف کتاب‌های نوشته شده در زمینه طبقه بندی علوم، ملاحظه کرد.

البته اشکال متوجه مؤلف نیست؛ زیرا او خود، در آغاز نوشته، به این مطلب اشاره کرده است؛ ولی چون ما در صدد بیان پژوهش‌هایی هستیم که شامل طبقه بندی علوم از دیدگاه عرب می‌شود، باید توضیح دهیم که نوشته حسین علی محفوظ از جهت شکلی، به تحقیق ما مربوط می‌شود؛ زیرا به لحاظ اینکه نوشته مورد بحث همه کتاب‌های مربوط به رده بندی را به طور فراگیر و گسترده نام برده است، از نظر ارائه ماده خام علمی برای ما اهمیت دارد؛ ولی با ملاحظه نوع پژوهش‌هایی که در مورد طبقه بندی علوم شده است، نسبت به موضوع، بیگانه به شمار می‌رود.

#### دیدگاه عبدالحمید عطیه

خود نویسنده این مقاله هم به دلیل پژوهش‌هایی که داشته، دارای آرای است. به نظر این جانب شایسته است ابتدا این سؤال را مطرح کنیم که پژوهش کنونی در مقایسه با پژوهش‌های گذشته که به آنها اشاره کردیم، چه ویژگی‌ای دارد و یا به تعبیر دیگر، چه چیز جدیدی ارائه می‌دهد؟ آیا می‌توان به عنوان آغاز یک پژوهش، تنها به ملاحظات انتقادی نسبت به فعالیت‌های گذشته اکتفا نمود؟ طبیعت، حدود و زمینه‌های امثال این پژوهش کدامند؟ چگونه می‌توان درباره این موضوع به بحث پرداخت؟ این پرسش‌ها و مانند آن، باید مطرح شوند تا شیوه ارائه و بیان چنین موضوعی، یعنی بنیان‌های فلسفی طبقه بندی علوم در فرهنگ اسلامی-عربی روشن گردد.

پاسخ به این پرسش‌ها، برای ما در فهم حدود و محدودیت‌های بحث، اهمیت بسزایی دارد؛ حدود و محدودیت‌هایی که ما را در پژوهش‌های جدید با قرارداد تحقیقات پراکنده گذشته تاریخ اندیشه عربی-اسلامی در جایگاه صحیح خود هدایت می‌کند. لازمه این نکته، سخن از سه مطلب اساسی سخن است:

۱. بررسی مواد علمی و محتوایی هر پژوهش یا به تعبیر دقیق‌تر، بررسی فعالیت‌های تحقیقی گذشتگان که در زمینه رده بندی علوم، برای ما به جا مانده است و مشخص کردن اینکه کدام یک از این فعالیت‌های تحقیقی، پایه و اساس تحلیل کنونی را تشکیل می‌دهد؛

۲. بررسی طبیعت و زمینه هر پژوهش؛ ۳. شیوه‌های بررسی این مواد علمی و خام.

هر کدام از این دو پژوهش احمد زکی پاشا در موسوعات

العربیة و کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور در مقدمه چاپی تحقیقی مفتاح السعادة، همچنین کشف الظنون، فهرستی طولانی از دیدگاه‌ها درباره رده بندی ارائه می‌دهند. خلاصه‌ای از مطالب احمد زکی و نوشته‌های کامل بکری و مقدمه کشف الظنون ارائه می‌کنم تا همه زوایای این مبحث تبیین گردد؛ البته طبقه بندی هم مطالبی دارد که ذکر آنها خالی از فایده نیست. اطلاعات آثاری که احمد زکی جمع آوری کرده است، عبارت‌اند از: فارابی، احصاء العلوم؛ ابوحاتم محمد بن حیان السبتي، وصف العلوم فی ثلاثين جزء؛ اخوان الصفاء و خلان الوفاء، الرسائل؛ ابن سینا الشفاء؛ ابن سینا، رساله فی اقسام العلوم العقلیه؛ محمد ابوالمظفر ابیوردی، طبقات العلوم؛ ابوالفاء علی محمد بن عقیل بغدادی حنبلی؛ الفنون؛ امام فخرالدین محمد بن عمر رازی، حدائق الانوار فی حقایق الاسرار (جامع العلوم)؛<sup>۵۶</sup> زمخشری، الامالی من کل فن؛ شمس الدین محمد الانصاری الاکفانی، ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد؛ عبدالرحمن بن محمد البسطامی، موسوعات العلوم؛ مولی لطف الله بن حسن التوقانی، المطالب الالهیه؛ جلال الدین دوانی، نموذج العلوم؛ جلال الدین سیوطی، اتمام الدرایة لقرء النتقابة؛ طاش کبری زاده، مفتاح السعادة ومصباح السیادة فی موضوعات العلوم؛ صدرالدین شروانی، الفوائد الخاقانیة؛ حافظ الدین محمد العجمی، فهرست العلوم؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون؛ ابوالفرج محمد بن اسحاق الوراق (ابن ندیم)، فوز العلم (الفهرست)؛ ارنیقی، مدینه العلوم؛ تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون؛ محمد صدیق حسن خان، ايجاد العلوم؛ خوارزمی، مفاتیح العلوم؛ ابن خلدون، فصل تصنیف العلوم فی المقدمة.<sup>۵۷</sup>

افزون بر آن، مفتاح السعادة چهار فعالیت تحقیقی دیگر را در زمینه طبقه بندی بیان می‌کند که مربوط به بحث ما نیست. این چهار تحقیق، عبارت‌اند از: نهایة الارب از نویری؛ حیات الحیوان الکبری از دمیری؛ صبح الاعشی از قلقشندی؛ الخطط از مقریزی.

اشاره به این نکته، حایز اهمیت است: انتخاب پژوهش احمد زکی و کامل بکری به این جهت است که آن دو از قدیمی‌ترین و جدیدترین پژوهش‌ها محسوب می‌شوند؛ در نتیجه می‌توان گفت پژوهش کامل بکری در درون خود، همه پژوهش‌های پیشین را دربر دارد؛ زیرا او مطالب خود را از عثمان امین اقتباس کرده است؛ از این رو حاوی مطالبی است که عثمان امین به آنها

۵۶. ر. ک. به: عبدالوهاب ابوالنور و کامل بکری؛ همان، ص ۳۸-۳۹.

۵۷. ابوریان؛ الفلسفة ومباحثها؛ ص ۱۱۷.

اشاره کرده است؛ همچنین در مقایسه با کتاب ابوریان، باید توجه داشت که گرچه در نوشته ابوریان به سهروردی و ابن عربی به طور گذرا و غیر مفید اشاره شده است، ولی نمی توان آن را جامع تر از تحقیقات قبلی دانست.<sup>۵۸</sup>

باید یادآوری کنم که در بررسی خود از این کتاب ها، تنها به حدود نیمی از آنها دسترسی پیدا کردیم؛ از این رو اشاره به این مسئله مهم لازم است که بیان و گردآوری تحقیقات مربوط به رده بندی علوم، یک فعالیت علمی است و پژوهش انتقادی و تحلیلی نسبت به این تصانیف، فعالیت علمی دیگری است و در بسیاری از پژوهش هایی که به آنها اشاره کردیم، تنها بخش اول مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا در اغلب این پژوهش ها، تنها به بیان نام مؤلف و نام کتاب اکتفا شده است و تحقیقی فراتر از آن صورت نگرفته است؛ افزون بر آن، بیشتر این فعالیت های علمی، تنها به طبقه بندی فارابی، ابن خلدون، طاش زاده، ابن ندیم و خواریزمی مراجعه و به آن اکتفا کرده اند؛ در صورتی که می توان برخی طبقه بندی های دیگر را به آنها اضافه نمود تا همراه با منابع پیشین، اساس پژوهش کنونی باشد؛ برای نمونه چند اثر زیر، مکمل های مفیدی هستند:

۱. رساله اخراج بالقوه الی الفعل ورساله الحدود از جابر بن حیان.

۲. فی کمیته کتب ارسطو طالیس و مایحتاج الیه قبل تعلیم الفلسفة از کندی.

۳. المنقذ من الضلال از ابو حامد غزالی. این کتاب در زمینه اساس و بنیان دیدگاه صفویه به ما در طبقه بندی علوم کمک می کند. این مهم را دیگر مصنفان انجام نداده اند و یا حداقل ما آن را نیافتیم؛

۴. رساله فی العلوم العقلیة از ابو حیان توحیدی. در این کتاب مواضع عقلی در دفاع از علوم مربوط به عصر مؤلف آشکار می شود؛

۵. کنز العلوم والدر المکنون فی حقایق علوم الشریعة و دقایق علوم الطبیعة از محمد بن تومرت. البته این کتاب چاپ نشده و خطی است.

فلسفه، کتابداری، فلسفه علم و تاریخ علوم، زمینه ها و بسترهایی هستند که دانش طبقه بندی در قلمرو آنها رشد و تطور یافته است. اینگونه بحث ها در واقع مسئله طبقه بندی نیست، بلکه بررسی رده بندی است و در یک تعبیر، به آن فلسفه طبقه بندی می گویند؛ با وجود این، به طور مستقیم به فلسفه نسبت داده نمی شود، بلکه به طور مستقیم به شاخه ای از شاخه های فلسفه که همان فلسفه تاریخ علم یا تاریخ علوم باشد، نسبت داده می شود. از جهت تئوری نیز چون پژوهش ما بر آنچه

فلاسفه مسلمان و عرب ارائه کرده اند، مبتنی است، می توان گفت بحث تاریخ علوم در نزد عرب است. البته به لحاظ تخصص فلسفی ما، بسیار مشکل است که به زمینه فلسفی بحث، آنگونه که دکتر ابوریان انجام داده است، تأکید نکنیم؛ یا بحث را در کتاب های مرجع، مانند دانشنامه ها خلاصه نماییم؛ آنگونه که کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور انجام داده اند.

با وجود این، استقلال علوم و تفاوت آنها از یکدیگر، حقیقتی آشکار است و عصر ما، عصر تخصصی علمی است؛ زیرا پس از آنکه استقلال علوم ریاضی و طبیعی به کمال رسید، اکنون استقلال و جدایی علوم انسانی از فلسفه کامل می شود؛ به همین دلیل، جامعه شناسی، روان شناسی و زیبایی شناسی اخیراً در مسیر تمایز و استقلال خود از دیگر علوم قرار گرفته است؛ بنابراین چرا علم رده بندی مستقل محسوب نشود؟

می توان گفت علم طبقه بندی می تواند بر یکی از دو اندیشه ای که به طور بنیادی با هم متفاوت هستند، مبتنی شود که این دو اندیشه عبارت اند از:

الف) علوم، موضوعات و اصطلاح آنها با یکدیگر متفاوتند و از همدیگر مستقل می باشند؛

ب) شبکه بندی علوم که در اصطلاح لاتینی، کلاسیفیکشن نامیده می شود، در فرهنگ اسلامی - عربی ریشه فراوان دارد و در آثار افرادی مانند دکارت، تهانوی، حاجی خلیفه، ابو حیان و دیگران به دست می آید. در همه این دیدگاه ها علوم از یک جهت به علوم دیگر وابستگی دارند و از سوی دیگر هر علم استقلال داشته، با نگاه مستقل می توان به آن نگریست؛ بنابراین علوم، بین این دو جهت که استقلال و وحدت باشد، سیر می کند: اولی تخصص دقیق را به عنوان بخشی از پژوهش کتابداری نمایندگی می کند، در حالی که دومی، میراث علمی را همانند بحثی از بحث های فلسفه نمایندگی می نماید و مباحث بین این دو را تاریخ علوم تشکیل می دهد.

به هر حال دو گونه بحث درباره مسائل طبقه بندی و تاریخ و فلسفه آن می توان عرضه کرد؛ همان گونه در زمینه علم هیأت هم گاه مسائل نجوم اسلامی و گاه فلسفه و تاریخ آن را بررسی کرده اند.

به نظر می رسد بررسی تاریخ طبقه بندی و تحلیل مسائل زیربنایی آن، مهم تر و اساسی تر از خود مسائل طبقه بندی است. در این مقاله دیدگاه های مختلف و منابع آنها را بررسی کردم تا پژوهشگران نسبت به منابع و مدارک این علم آشنایی لازم پیدا کنند.

۵۸. ابو حیان التوحیدی؛ رساله فی الدفاع عن العلوم العقلیة. این کتاب بیش از یک بار چاپ شده است.